

ما يتعلق بالزواج الدائم والمنقطع:

ازدواج دائم و موقت

س ۱۱۵ / هل يصح إجراء عقد النكاح - الدائم أو المنقطع - عبر الهاتف أو برامج المحادثة المعروفة في الانترنت كالتوك وما شابه، ويحضر الشهود والزوج والزوجة في غرفة خاصة ويتم العقد؟

پرسش ۱۱۵:

آیا اجرای عقد نکاح دائم یا موقت- از طریق تلفن یا برنامه‌های گفت‌وگوی اینترنتی مثل پالتاک و نظایر آن- درحالی‌که شاهد‌ها، شوهر و زن در یک اتاق هستند، صحیح و عقد کامل است؟

ج/ يجوز إن كان هناك تشخيص تام من قبل كل من الزوج والزوجة لقرينه سواء بالشكل أم بالاسم أم بأي وسيلة تشخيص تميز الإنسان عن غيره من بني جنسه، والشهود أيضاً يشترط أن يكون لديهم ما يفيد تشخيص كل من الزوجين سواء قدرتهم على التشخيص أم المعلومات التي تفيد التشخيص كالاسم والشكل، وكذا الحال في الإشهار.

پاسخ:

اگر با وجود قرینه‌ای تشخیص کامل از هر دو طرف شوهر و زن وجود داشته باشد با شکل یا با اسم یا با هر وسیله تشخیصی دیگری که انسان را از دیگر هم‌نوعانش متمایز می‌کند- جایز است. برای شهود هم شرط است که آنها نیز آنچه برای مشخص نمودن هر یک از زوجین لازم است را در اختیار داشته باشند، خواه توانایی آنها بر شناسایی باشد یا معلوماتی که این مشخص شدن را برساند مثل اسم و شکل. حکم مسئله در اعلان هم به همین صورت است.

وهذه الأمور عادة متوفرة في العقد الذي يتم بين زوجين يلتقيان ببعضهما وفي المجتمع الذي يعيشون فيه؛ لأن الناس الذين يشهدون أو الذين يشهر بينهم يعرفون الزوجين ويشخصونهما، أما إن كان العقد بوسائل اتصال عن بعد كالهاتف والانترنت فلا بد من مراعاتها والتأكد من أن المعلومات لدى الجميع كافية للتشخيص.

این موارد به‌طور معمول در عقدی که بین دو زوجی که همدیگر را ملاقات می‌کنند و همچنین در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند در دسترس می‌باشند؛

زیراکسانی که شاهد هستند یا کسانی که این ازدواج میانشان مشهور می‌شود، زوجین را می‌شناسند و آنها را شناسایی می‌کنند؛ اما اگر عقد به‌وسیلهٔ وسایل ارتباط از راه دور مثل تلفن و اینترنت باشد، باید شرایط آن رعایت شود و از معلوماتی که برای همه برای تشخیص دادن کافی است، اطمینان حاصل شود.

وهناك أمر لابد من الالتفات إليه وهو أن توثيق عقد الزواج كتابة أفضل من كونه شفهيًا فقط فالمطلوب هو حفظ الأنساب والحقوق وهذا يتحقق بالكتابة بصورة أفضل مما لو كان العقد والإشهاد شفهيًا فقط.

در اینجا مسئله‌ای وجود دارد که باید به آن توجه داشته باشیم؛ اینکه توثیق ازدواج به‌صورت کتبی بهتر از شفاهی بودن آن است. هدف، حفظ نسب و حقوق است و این هدف با نوشتن به‌صورت بهتری محقق می‌شود؛ نسبت به وضعیتی که عقد و شاهد گرفتن فقط به‌صورت شفاهی باشد.

س ۱۱۶ / لا أعرف القول الحق في فتاوى فقهاء السوء بجواز العقد على الصغيرة بحجة الدخول على بيت أمها للنظر إلى أمها وأمثال ذلك، هل هذا جائز؟
پرسش ۱۱۶:

سخن حقی در این فتوای فقهای گمراهی نمی‌بینم که به جایز بودن عقد با دختر کوچک به دلیل وارد شدن به خانهٔ مادرش برای نگاه کردن به او نظایر آن فتوا می‌دهند. آیا این کار جایز است؟

ج/ العقد على المرأة للزواج وليس للعب، (لا أعرف القول الحق في فتاوى فقهاء السوء بجواز العقد على الصغيرة بحجة الدخول على بيت أمها للنظر إلى أمها وأمثال ذلك)، هذا عبث ولعب ولا علاقة له لا بدین ولا بأخلاق.
پاسخ:

عقد کردن زن، به جهت ازدواج است، نه برای لهو لعب: (سخن حقی در این فتوای فقهای گمراهی نمی‌بینم که به جایز بودن عقد با دختر کوچک به دلیل وارد شدن به خانهٔ مادرش برای نگاه کردن به او نظایر آن فتوا می‌دهند). این کار عبث و لهو لعب است و ارتباطی با دین و اخلاق ندارد.

عندما شرّع الإسلام الزواج من الصغيرة بمعنى من قاربت البلوغ وليس رضیعة أو طفلة، وحتى الزواج من الصغيرة أو البالغة الصغيرة في السن فهو شرع لضرورة ربما تكون أو تصادف الناس مثل بقاء عدد قليل من البشر وخوف انقراض البشر أو المؤمنین فيتم الزواج بعمر صغير لإنجاب أكبر عدد ممكن

والحفاظ على الجنس البشري أو المؤمنين، وليست التشريعات عبثية وفقكم الله. فالزواج من الصغيرة لا معنى له إنما هو شرع لحالة الضرورة وليس للعبث واللعب.

وقتی اسلام ازدواج با دختر کوچک را تشریح می‌فرماید به معنای دختری است که نزدیک بلوغ است، نه دختری که شیرخوار یا طفلی کوچک است، و حتی ازدواج با دختر صغیر یا بالغ کم سن و سال به جهت ضرورت تشریح شده است؛ چه بسا حادثه‌ای برای مردم رخ دهد مثل اینکه تعداد کمی از نوع بشر باقی بماند و ترس از انقراض بشر یا مؤمنان وجود داشته باشد که در این صورت ازدواج با کم سن و سال باعث بیشترین زادولد ممکن و حفظ نوع بشر یا مؤمنان می‌شود. تشریحات عبث و بیهوده نیست؛ خداوند شمارا موفق بدارد؛ بنابراین ازدواج با صغیره معنایی ندارد و تنها برای ضرورت، تشریح شده است و نه بیهوده و برای لهو لعب.

س ۱۱۷ / رجل متزوج من أسبوعين تقريباً، يريد ذرية صالحة تنصر القائم والمهديين (عليهم السلام)، هل هناك آداب قبل الجماع، أدعية أو صلاة خاصة؟
پرسش ۱۱۷:

مردی تقریباً دو هفته است که ازدواج کرده و خواهان ذریه صالحی است که قائم و مهدیین (علیهم السلام) را یاری کنند. آیا آدابی برای پیش از جماع یا دعا یا نماز خاصی وجود دارد؟

ج/ قد بیئت هذا في الشرائع، وأنقل لك النص:

[يستحب لمن أراد الدخول أن يصلي ركعتين ويدعو بعدهما، وإذا أمر المرأة بالانتقال إليه، أمرها أن تصلي أيضاً ركعتين وتدعو، وأن يكونا على طهر، وأن يضع يده على ناصيتها إذا دخلت عليه، ويقول: "اللهم على كتابك تزوجتها، وفي أمانتك أخذتها، وبكلماتك استحلت فرجها، فإن قضيت لي في رحمها شيئاً فاجعله مسلماً سوياً، ولا تجعله شرك شيطان"، وأن يكون الدخول ليلاً، وأن يسمي عند الجماع، ويسأل الله تعالى أن يرزقه ولداً ذكراً سوياً] شرائع الإسلام: ج ۳.

پاسخ:

این مورد را در کتاب شرایع بیان کرده‌ام. متن آن را برای شما نقل می‌کنم: مستحب است کسی که می‌خواهد نزدیکی کند، دو رکعت نماز بخواند و بعد از آن دعا کند، و هنگامی که به همسرش گفت که نزدش بیاید، به او نیز امر کند دو رکعت نماز بخواند و دعا کند. مستحب است هر دو با طهارت باشند، و هنگامی که زن نزد او آمد دستش

را روی پیشانی او قرار دهد و این دعا را بخواند: (خدایا! بر اساس کتاب تو با او ازدواج کردم و او را به‌عنوان امانت از تو گرفتم، و با کلمات تو فرج او را بر خود حلال کردم و اگر برای من در رحم او فرزندی مقدر فرمودی او را مسلمانی درست قرار بده و شیطان را در او شریک نکن). مستحب است نزدیکی در شب انجام شود، بانام خدا شروع کند، و از خداوند متعال بخواهد که فرزندی پسر و سالم روزی‌شان گرداند.

(شرائع الإسلام: ج ۳).

س ۱۱۸ / إذا حصل زنا بامرأة متزوجة قبل سنين طوال وافتراقا وتابا إلى الله وبعد زمن التقي بالصدفة وعرف أن زوجها مات من عدة سنين، فهل يصح زواجه منها؟
پرسش ۱۱۸:

مردی با زن شوهردار سال‌ها پیش زنا کرده است. سپس آن دو از هم جدا شده و توبه کرده‌اند و پس از مدتی اتفاقی همدیگر را دیده‌اند و مرد فهمیده که شوهر آن زن چند سال است که فوت کرده است. آیا می‌تواند با او ازدواج کند؟

ج / من زنی بامرأة لم يحرم عليه نكاحها. ولو زنى بذات بعل (أي متزوجة)، أو في عدة رجعية، حرمت عليه أبداً.
پاسخ:

کسی که با زنی زنا کند ازدواج با او برایش حرام نمی‌شود؛ ولی اگر با زن شوهردار یا کسی که در عدة رجعی است زنا کند برای همیشه بر او حرام می‌شود.

س ۱۱۹ / شاب زنى بامرأة متزوجة وهو نادم على فعله، وبعد مرور عدة سنوات هل يجوز أن يتقدم للزواج من إحدى أخواتها؟
پرسش ۱۱۹:

جوانی با زن شوهرداری زنا کرده و از کار خویش پشیمان است. بعد از گذشت چند سال آیا می‌تواند با یکی از خواهرهای آن زن ازدواج کند؟

ج / يجوز.
پاسخ:
جایز است.

س ۱۲۰ / کانت له (خليلة) يستمتع بها بدون عقد، ثم عقد عليها بالمنقطع (زواج مؤقت)، ثم تزوجها زواجاً دائماً، فما حكم ذلك؟
پرسش ۱۲۰:

شخصی دوست دختری داشت که بدون عقد با او نزدیکی می کرد. سپس با وی عقد موقت و پس از آن عقد دائم جاری کرد، حکمش چیست؟

ج / إذا كان وطنها بالزنى (أي قبل العقد) وهي ذات بعل (متزوجة) أو عدة، حرمت على الزاني بعد طلاقها أو انقضاء عدتها. أما إذا كانت غير ذات بعل (غير متزوجة)، ولا ذات عدة، فيجوز له أن يتزوجها.
پاسخ:

اگر نزدیکی آنها زنا بوده باشد (قبل از عقد) و زن دارای شوهر بوده باشد یا مطلقه ای بوده که هنوز روزهای عده اش تمام نشده باشد، آن زن بر مرد زناکار حرام می شود؛ اما اگر زن، شوهر نداشته باشد و در عده نیز نبوده باشد، آن مرد می تواند با او ازدواج نماید.

س ۱۲۱ / هل يجوز لامرأة أنصارية الزواج من رجل غير مؤمن بدعوة الحق وصاحبها (عليه السلام)؟
پرسش ۱۲۱:

آیا جایز است یک زن انصاری با مردی که مؤمن به دعوت حق و صاحب آن نیست، ازدواج کند؟

ج / يجوز إن كان مسلماً وغير ناصبي، ولكنه مكروه.
پاسخ:

جایز است اگر مسلمان باشد ولی ناصبی نباشد؛ اما مکروه است.

س ۱۲۲ / شخص غير متزوج فهل يتزوج من امرأة عامية (سنية)، أم ينتظر الفرج؟
پرسش ۱۲۲:

شخصی ازدواج نکرده است. آیا می تواند با زن عامی (اهل سنت) ازدواج کند؟ یا منتظر فرج و گشایشی باشد؟

ج/ الزواج من مسلمة مخالفة لا تنصب العداة لا إشكال فيه، وإن أردت الأفضل فاعمل بقول رسول الله محمد (صلى الله عليه وآله): (أظفر بذات الدين تربت يداك) [الكافي: ج ٥ ص ٣٣٢].

پاسخ:

در ازدواج با زن مسلمان مخالف که دشمنی با اهل بیت ندارد اشکالی وجود ندارد، و اگر خواهان بهتر هستی به این سخن رسول خدا (صلى الله عليه وآله) عمل کن: ((... تو قطعاً زن دین دار را برگزین)) [الكافي: ج ٥ ص ٣٣٢].

(٢- توضیح عبارت تربت يداك تربت، پداه یعنی او به خیر نرسد؛ و این کلمه ای است که عرب گاه در مدح و گاه در ذم آورد مانند لا اب لك و لا ام لك و لا ارض لك و نظایر آن. (منتهی الارب) (ناظم الاطباء). صاحب اقرب الموارد گوید این از سخنانی است که عرب آن را به صورت دعا استعمال کنند ولی مرادشان دعا نیست بلکه تحریک و تشویق است و گویند فعلیک بذات الدین تربت يداك؛ و در صحاح آمده که این جمله ی دعائیه است یعنی به خیر نرسی ولی معنی اول صحیح است. (منبع: ویکی پارسی - مترجم).)

س ١٢٣ / هل يصح الزواج بأكثر من امرأة دون أن يأخذ الرجل رضا زوجته بهذا الأمر، وهل للزوجة رأي في هذا الأمر أم يصح شرعاً للرجل أن يتزوج دون الرجوع لزوجته؟
پرسش ١٢٣:

آیا ازدواج با بیش از یک زن بدون اینکه مرد رضایت همسرش را در این خصوص بگیرد صحیح است؟ آیا همسر در این خصوص صاحب رأی و نظر است یا اینکه شرعاً صحیح است که مرد بدون مراجعه به همسرش مجدداً ازدواج نماید؟

ج/ يجوز أن يتزوج دون أن يُعلم زوجته الأولى بزواجه الثاني.

پاسخ:

مرد می تواند بدون اینکه زن اولش را باخبر سازد، ازدواج دومش را انجام دهد.

س ١٢٤ / هل يجوز زواج امرأة علوية برجل لا يرجع نسبه إلى رسول الله (صلى الله عليه وآله)؟

پرسش ١٢٤:

آیا جایز است زن علوی با مردی که نسبش به رسول خدا (صلى الله عليه وآله) نمی رسد ازدواج کند؟

ج/ يجوز.

پاسخ:

جایز است.

س ۱۲۵/ ما حکم زواج المرء من غير موافقة والديه ؟

پرسش ۱۲۵:

حکم ازدواج مرد بدون موافقت والدین چیست؟

ج/ يجوز للرجل أن يتزوج بمن يريد وإن لم يوافق والداه.

پاسخ:

جایز است مرد با کسی که قصد کرده است ازدواج کند؛ حتی اگر والدین موافق نباشند.

س ۱۲۶/ هل العزل (القذف خارج الرحم) جائز ؟

پرسش ۱۲۶:

آیا عزل (بیرون ریختن منی از رحم) جایز است؟

ج/ العزل عن الحرة إذا لم يشترط في العقد ولم تأذن محرّم.

پاسخ:

عزل از زن آزاد اگر در عقد شرط نشده باشد و زن نیز اجازه ندهد حرام است.

س ۱۲۷/ إذا لاط أحدهم بآخر، فهل يجوز له أن يتزوج بإحدما حرام المفعول به ؟

پرسش ۱۲۷:

شخصی با دیگری لواط کرده است؛ آیا می‌تواند با یکی از محارم کسی که لواط شده ازدواج کند؟

ج/ يحرم عليه العقد على أم الموطوء وأخته وبنته، ولا يحرم إحداهن إذا كان

عقدها سابقاً.

پاسخ:

مادر، خواهر و دختر کسی که لواط شده بر او حرام هستند؛ ولی اگر قبلاً یکی از آنها را عقد کرده باشد، حرام نمی‌شوند.

س ۱۲۸ / امرأة زوجها مريض بمرض الجنون الأدواري ويأخذ علاج ليبق طبيعياً، لكنه في حالة الاقتراب من زوجته ومواقعها ترجع له حالة الجنون، فما حكم امتناع الزوجة عن المواقعة؟

پرسش ۱۲۸:

شوهر زنی جنون ادواری دارد و دارو مصرف می‌کند تا در حالت طبیعی بماند، ولی در حال نزدیکی با همسرش حالت جنون به او بازمی‌گردد. حکم امتناع زن از نزدیکی با شوهرش چیست؟

ج/ لا يجوز أن تمتنع عن زوجها إلا إن كان لفترة من الزمن مثلاً رجاء أن يتعافى.

پاسخ:

جایز نیست مانع شوهرش شود مگر اینکه به عنوان مثال برای مدت زمانی باشد که امید بهبودی وجود داشته باشد.

س ۱۲۹ / إذا تمّ الزواج الدائم بصورته الشرعية، وصار رسمياً في أوراق الدولة لتحصل المرأة على الإقامة أو يحصل الرجل على الإقامة في الدولة، فهل يجوز للرجل أن يسقط حقوقه على المرأة من التمكين وغيره، وهل يجوز للمرأة أن تسقط حقوقها على الرجل من النفقة وغيرها ويبقى الزواج سارياً بينهما على هذه الصورة؟

پرسش ۱۲۹:

اگر ازدواج دائم به صورت شرعی انجام گرفته و در دفاتر رسمی دولت ثبت شده باشد که زن یا مرد بتواند در دولت اقامت داشته باشد، آیا مرد می‌تواند حقوقش بر زن مثل تمکین و سایر موارد را ساقط کند یا زن حقوقش بر مرد مثل نفقه و موارد دیگر را ساقط کند و ازدواج به این شکل بین آنها برقرار باشد؟

ج/ يجوز.

پاسخ:

جایز است.

س ۱۳۰ / هل يمكن إنشاء عقد زواج منقطع لمدة ستة أشهر مع تعيين المهر وبشهادة الشهود، ونشرط النظر والكلام والسفر مع عدم الدخول والملازمة؟

پرسش ۱۳۰:

آیا امکان دارد که عقد موقت برای شش ماه با تعیین مهر و شهادتِ شهود خوانده شود و شرط شود که نگاه کردن، صحبت کردن و مسافرت انجام شود ولی دخول و لمس کردن نباشد؟

ج/ یجوز.

پاسخ:

جایز است.

س ۱۳۱/ سیدی الأمان الأمان من عظیم فعلی وقبیح عملي، التوبة التوبة مما اقترفته یدای،

تزوجت زواج المتعة مؤخراً ودخلت بزواجتي (دون شهود أو إشهار)، ولاحقاً عندما راجعت المسألة في الأجوبة الفقهية تبين لي خطأي، لكنني في ذلك الوقت كنت جاهلاً بالحكم الشرعي، فما العمل الآن؟ وما الذي عليّ فعله بعدما عرفت ما قمت به، وهل يعتبر ما فعلته زنا؟

أشهد الله تعالى وملائكته أنني لم أتعمد ترك الإشهاد أو الإشهار، وإنما كان جهلاً مني بالحكم وبجوبه، ولولا ذلك لما تركته مطلقاً.

سیدی الندم والحزن یغمرنی والتوبة مقصدي، أرحني من العذاب الذي أرهقني، ومن الجهل الذي قادني لترك واجب وفعل حرام؟

پرسش ۱۳۱:

آقای من! آمان آمان از کار بزرگ و زشتی که انجام داده‌ام. توبه توبه از آنچه انجام داده‌ام.

از دواج موقت کردم و بدون گرفتن شهود یا اعلان، با همسرم نزدیکی کردم وقتی به این مسئله در پاسخ‌های فقهی مراجعه کردم، خطایی که انجام داده بودم برایم آشکار شد؛ ولی من در آن موقع از حکم شرعی آگاه نبودم. اکنون چه کنم؟ بعد از آگاهی از کاری که انجام داده‌ام چه چیزی بر عهده من است؟ آیا آنچه انجام داده‌ام زنا محسوب می‌شود؟

خداوند متعال و ملائکه‌اش را گواه می‌گیرم که شاهد گرفتن یا علنی کردن را از روی عمداً ترک نکردم؛ من فقط به حکم و جوب آن آگاه نبودم و اگر می‌دانستم هرگز آن را ترک نمی‌کردم.

آقای من! پشیمانی و حزن و اندوه وجودم را فراگرفته و قصد توبه دارم. مرا از عذابی که بر من سایه افکنده نجات بده! از جهلی که باعث ترک واجب و انجام حرام شده است!

ج/ لا شيء عليك إن شاء الله ما دمت جاهلاً بالحكم الشرعي، وفقك الله وسدد خطاك، وأسأل الله أن يتولأك برحمته وأن يثيبك بعظيم الثواب على خوفك من تعدي حدوده هو وليي وهو يتولى الصالحين.

پاسخ:

ان شاء الله چیزی بر عهده شما نیست، اگر از حکم شرعی آگاه نبوده باشی. خداوند شما را موفق و گام‌هایتان را استوار بدارد. از خدا می‌خواهم که با رحمتش شما را سرپرستی کند و ثواب عظیم به شما عطا فرماید؛ به جهت ترسی که از تعدی حدودش داری. او سرپرست من است و سرپرست شایستگان.

س ۱۳۲ / رجل أجرى عقد مؤقت على امرأة لمدة سنتين ولم يكن معها ثالث بسبب ظروف خاصة بالمرأة خوفاً من أهلها وأولادها بالذات، وكذا الرجل حرصاً على أسرته من الانفصال عنهم، فما الحكم في ذلك؟

پرسش ۱۳۲:

مردی، زنی را دو سال به عقد موقت خود در آورده و به دلیل وضعیت خاص زن و ترس از خانواده و اولادش و همچنین به دلیل جلوگیری از جدا شدن از خانواده‌اش، شخص سومی در جریان کار آنها نبوده است. حکم آنها چیست؟

ج/ في هذه الحالة التي ذكرتها أنت ربما يصعب الإشهار (الإعلان) لكن لا يصعب الإشهاد، فيستأنف العقد معها مع الإشهاد ويوصي الشاهدين بكتمان الأمر إلا عند الضرورة أو إثبات الحقوق.

پاسخ:

در این حالتی که شما بیان کردید چه‌بسا «اشهار» (اعلان عمومی) مشکل باشد ولی گرفتن شهود سخت نیست. باید با شاهد گرفتن، دوباره عقد را با او جاری کند و به شاهدها توصیه شود که این موضوع پنهان بماند مگر برای ضرورت یا اثبات حقوق.

س ۱۳۳ / تزوج امرأة زواجاً منقطعاً بدون إدخال، وأثناء المدة تزوجها بعقد دائم، فما هو الحكم الشرعي؟

پرسش ۱۳۳:

زنی بدون اینکه دخولی صورت گرفته باشد. ازدواج موقت کرده و در زمان صیغه عقد موقت، عقد دائم خوانده است. حکم شرعی این مسئله چیست؟

ج/ يجوز وزواجه الدائم صحيح.

پاسخ:

جایز و ازدواج دائمش صحیح است.

س ۱۳۴ / ما هو الحكم بخصوص الزواج المؤقت، وهل يجوز نطقه مع المحرم لتحليل الكلام فقط أي عدم الزواج فعلاً إذا كان هناك خصوصية لهذا الشخص ولا يمكن الارتباط، والغرض منه هو عدم الوقوع بالحرام؟
پرسش ۱۳۴:

حكم ازدواج موقت چیست؟ آیا جایز است فقط به جهت حلال شدن صحبت کردن (زوجین) خوانده شود؟ یعنی اگر به دلیل وجود خصوصیت خاصی در این شخص و عدم امکان ارتباط، ازدواجی به این صورت انجام شود. هدف از این سؤال فقط عدم ارتکاب فعل حرام است.

ج/ الزواج المؤقت جائز.

- ۱- يشترط في الزواج المؤقت والدائم الإشهاد (شاهدان عدلان) أو الإشهار، ويكفي أحدهما.
 - ۲- أقل مدة لعقد الزواج المؤقت هي ستة أشهر.
- وكلام المرأة مع الرجال ليس حراماً ولا يحتاج تحليله إلى الزواج.

پاسخ:

ازدواج موقت، جایز است.

- ۱- در ازدواج موقت و دائم حضور شهود (دو شاهد عادل) یا اشهار (علنی کردن) شرط است و محقق شدن یکی از این دو شرط کفایت می‌کند.
 - ۲- کمترین مدت برای ازدواج موقت، شش ماه است.
- گفت‌وگوی زن با مردان حرام نیست و حلال شدنش نیازی به ازدواج ندارد.

س ۱۳۵ / هل سرية زواج المتعة تجعله باطلاً؟ وهل يستلزم وجود شاهد على الزواج أم يتم بين طرفي العقد فقط؟
پرسش ۱۳۵:

آیا مخفی بودن ازدواج موقت، باطل کننده‌اش است؟ و آیا وجود شاهد لازم است؟ یا عقد تنها با طرفین عقد کامل می‌شود؟

ج/ يشترط في عقد النكاح حضور شاهدين أو الإشهار (الإعلان)، فإن حضر شاهدان استحب الإشهار، وإن لم يحضر شاهدان وجب الإشهار قبل الدخول، وبدون شهادة يكون عقد النكاح متوقفاً على الإشهار، ويرتكبان الحرام إن دخل

بها من دونه، وتتكّرر المعصية مع تكرّر الواقعة حتى يتم الإشهار. أمّا الولد فينتسب كما في الشبهة.

پاسخ:

در عقد ازدواج، حضور دو شاهد شرط است و یا آنکه ازدواج مشهور گردد (اعلان شود) و اگر دو شاهد حضور داشته باشند مشهور کردن ازدواج، مستحب است. اگر دو شاهد نبود مشهور کردن ازدواج قبل از نزدیکی، واجب است. بدون شاهد، عقد ازدواج، متوقف بر مشهور شدن است و اگر بدون در نظر گرفتن این شرایط زن و مرد نزدیکی کنند کار حرام مرتکب شده‌اند و اگر این کار تکرار شود معصیت تکرار شده است تا موقعی که ازدواج، مشهور شود؛ اما فرزندان، مانند موارد شبهه به پدر منسوب می‌شود.

ویکون الإشهاد بشاهدين، وأمّا الإشهار والإعلان فيكون بعد إيقاع العقد وقبل الدخول، ويتحقق بما يسمّى عرفاً إشهار وإعلان كالدعوة إلى وليمة العرس أو تعريف الناس بالوسيلة المتاحة.

شهادت به وسیله دو شاهد انجام می‌شود؛ مشهور کردن و اعلان ازدواج بعد از بستن عقد و قبل از نزدیکی انجام می‌شود و به وسیله آنچه در عرف، اعلان و مشهور کردن نامیده می‌شود مثلاً دعوت به و لیمه عروسی یا شناساندن مردم به وسیله‌ای که رایج است. تحقق می‌یابد.

س ۱۳۶/ ما هي حقوق (المرأة) في الزواج المنقطع، وما واجباتها؟

پرسش ۱۳۶:

حقوق زن در ازدواج موقت چیست؟ و چه چیزهایی بر او واجب است؟

ج/ لا يثبت بهذا العقد ميراث بين الزوجين، ولو شرطاً التوارث أو شرط أحدهما، يلزم عملاً بالشرط. ويجوز أن يشترط عليها الإتيان ليلاً أو نهاراً. ويجوز العزل للزوج ولا يقف على إذنها. ولا يقع بها طلاق وتبين بانقضاء المدّة، ويقع لعان، ويقع بها ظهار وإيلاء، ويحرم ترك وطئها أكثر من أربعة أشهر كالدائمة. وأيضاً لها نفقة.

پاسخ:

در این نوع ازدواج، زوجین از یکدیگر ارث نمی‌برند ولی اگر هر دو یا یکی از آنها ارث را شرط کند عمل کردن به شرط لازم می‌شود. مرد می‌تواند برای زن شرط کند که شب یا روز پیش او باشد. جایز است که شوهر عزل کند (منی را در رحم نریزد) و (این کار) منوط به اجازه زن نیست. در این ازدواج، طلاق

وجود ندارد و با انقضای مدت، از هم جدا می‌شوند. لعان، ظهار و ایلا در آن واقع می‌شود و ترک نزدیکی با زن بیش از چهار ماه -همانند ازدواج دائم- حرام است؛ و همچنین زن نفقه دارد.

س ۱۳۷ / هل عليها عدّة بعد انقضاء المدّة أو في حالة وفاة من تزوجت منه إثناء فترة العقد؟

پرسش ۱۳۷:

آیا بعد از پایان مدت، عدّه دارد یا اگر شوهرش در دوران عقد فوت نماید، باید عده نگه دارد؟

ج / عدتها حیضتان، وتعتد من الوفاة ولو لم يدخل بها بأربعة أشهر وعشرة أيام إن كانت حائلاً، وبأبعد الأجلين إن كانت حاملاً.
پاسخ:

عدّه آن دو حیض است. بعد از زمان وفات حتی اگر دخول صورت نگرفته باشد، چهار ماه و ده روز است اگر حائل باشد؛ اگر حامله باشد از این دو مدت زمان، طولانی‌تر می‌باشد.

س ۱۳۸ / هل يجوز أن يتزوج الرجل من الأنصار المؤمنين زواجاً منقطعاً من نساء المخالفين أو الكتابية، وهل يصح الزواج الدائم من المرأة الكتابية أم لا ؟
پرسش ۱۳۸:

آیا مردی از انصار که به شما ایمان دارد می‌تواند با زنان مخالف یا زنان اهل کتاب ازدواج موقت کند؟ و آیا ازدواج دائم با زن اهل کتاب صحیح است یا خیر؟

ج / يجوز أن يتزوج المؤمن من المسلمة المخالفة والكتابية، ولكن لا يجوز من الناصبية.
پاسخ:

جایز است که مرد مؤمن با زن مسلمان مخالف و زن اهل کتاب ازدواج کند ولی ازدواج با زن ناصبی جایز نیست.

س ۱۳۹ / هل تعتبر الباكر ولية أمر نفسها في زواج المتعة إذا كانت معيلة لنفسها، عمرها (۳۵) سنة، الأب متوفي، ولا يوجد أخ أكبر منها؟
پرسش ۱۳۹:

آیا زن باکره باید ولی اش را از ازدواج موقت مطلع کند اگر بالغ باشد، ۳۵
ساله باشد، پدرش فوت کرده باشد و برادر بزرگتری هم نداشته باشد؟

**ج/ للبالغة الرشيدة (وهي من بلغت ١٨ عاماً لا من بلغت سن
التكليف عاقلة فقط) أن تزوج نفسها، ولا فرق بين الدائم والمنقطع، وليس لوليها
اعتراض، بكرة كانت أو ثيباً.**

پاسخ:

زن بالغ رشید (کسی که به ۱۸ سال رسیده باشد و رسیدن به سن تکلیف
به‌تنهایی کفایت نمی‌کند) می‌تواند خودش ازدواج کند (چه دائم باشد، چه موقت)
ولی او نمی‌تواند اعتراض نماید، چه باکره باشد و چه قبلاً شوهر کرده باشد.

س ۱۴۰ / آرید الزواج من فتاة والدها سني وأمها شيعية متوفاة وتعيش مع جدتها،
وتربت على حب أهل البيت (عليهم السلام)، وهي الآن شيعية جعفرية،
ولكن أبها رفض الزواج، فهل من مخرج لهذا الأمر؟ علماً أن البنت عمرها ٢١
سنة وهي موافقة على الزواج.

پرسش ۱۴۰:

می‌خواهم با دختری که پدرش سنی و مادرش شیعه‌ای است که فوت کرده
(خداوند رحمتش کند) ازدواج کنم. وی با مادر بزرگش یعنی مادر مادرش زندگی
می‌کند و بر محبت اهل بیت (علیهم السلام) بزرگ‌شده و اکنون شیعه جعفری است ولی
وقتی در این مورد اقدام کردیم پدرش گفت من دخترم را به ازدواج یک شیعه
در نمی‌آورم. آیا راه خروجی از این مشکل وجود دارد؟ متذکر می‌شوم که دختر
۲۱ ساله است و او خود با ازدواج موافق می‌باشد.

**ج/ إذا كان عمرها (٢١) عاماً فلا يجب أن تحصل موافقة الأب أو الجد على
زواجها، ولها أن تزوج نفسها وإن رفض أبوها. وتثبت ولاية الأب والجد (بشرط
الإيمان والعدالة) على البالغة دون سن (١٨) عاماً سواء كانت ثيباً أم
بكرة. ولا تثبت ولايتهما على البكر الرشيدة (من بلغت ١٨ عاماً)، وتثبت الولاية
لنفسها في الدائم والمنقطع.**

پاسخ:

اگر دختر ۲۱ ساله است نیازی نیست که برای ازدواج کردن موافقت پدر یا
پدر بزرگش را به دست آورد، و او این حق را دارد که ازدواج کند حتی اگر
پدرش با آن مخالفت نماید.

ولایت پدر یا پدربزرگ (به شرط ایمان و عدالت) بر دختر بالغ، تا قبل از سن ۱۸ سالگی است، خواه دختر بیوه باشد خواه باکره.
ولایت این دو بر دختر باکره رشیده (دختری که به سن ۱۸ سالگی رسیده) پابرجا نیست و او در ازدواج دائم یا موقت بر خودش ولایت دارد.

ولو زوجها أحدهما، لم يمض عقده إلا برضاها. ولكن يكره تزويجهانفسها دون إذن الولي. والبالغة إذا عضلها الولي، وهو أن لا يزوجهما من كفو مع رغبتها، فإنه يجوز لها أن تزوج نفسها ولو كرهاً.
و اگر حتی یکی از این دو او را ازدواج دهد، عقد او فقط با رضایت دختر صحیح و معتبر است. البته اینکه دختر به خودی خود و بدون اذن ولی اش ازدواج کند مکروه می باشد.
و اگر ولی، دختر بالغ را از ازدواج منع کند و اجازه ندهد با کسی که همسنگ اوست و دختر هم به وی رغبت دارد ازدواج کند، جایز است دختر خودش ازدواج کند حتی برخلاف میل ولی اش.

س ۱۴۱ / سؤالی: أيهما أفضل للبننت الزواج أو الدراسة؟ وإذا تقدم لخطبتها أحد الأوصاف هل الأفضل الزواج وترك الدراسة أم تكملدراستها؟ وإذا رفضت الزواج هل عليها إثم بسبب رفضها علماً أن السبب هو عدم قبولهم بإتمام الدراسة، وهل يجوز لها أن تتزوج بغير الأنصار؟ وهل يجوز للرجل أن يتزوج من غير الأنصار؟
پرسش ۱۴۱:

برای دختر کدامیک بهتر است: ازدواج یا درس خواندن؟ و اگر کسی از انصار به خواستگاری او بیاید بهتر است درس را ترک کند و ازدواج نماید یا اینکه درسش را ادامه دهد؟ و اگر او از ازدواج خودداری ورزد آیا به خاطر اینکه اولیای خداوند را رد کرده است گناهی بر او خواهد بود؟ زیرا آنها قبول نمی کنند که این دختر درسش را تکمیل کند؛ و آیا او می تواند با غیر انصار ازدواج کند؟ و آیا برای مرد نیز جایز است که با غیر انصار ازدواج کند؟

ج/ إذا كان هناك تعارض بين الزواج والتعليم فالزواج أفضل بالنسبة للمرأة، وكن يجوز لها أن تترك الزواج وتكمل تعليمها إذا كانت تفضل للتعليم، أو أن تتزوج وتكمل تعليمها إذا لم يكن هناك تعارض بينهما.

پاسخ:

اگر تعارضی بین ازدواج و درس خواندن باشد، برای زن ازدواج کردن بهتر است ولی اگر درس خواندن را ترجیح می‌دهد می‌تواند ازدواج را ترک گوید و به درس خواندن ادامه دهد، و اگر تعارضی بین این دو نباشد ازدواج کند و درفش را ادامه دهد.

والمرأة المؤمنة بالحق يجوز أن تتزوج مؤمناً بالأئمة والمهديين من أهل الحق، أو أن تتزوج مسلماً مخالفاً لا ينصب عداءً للأئمة أو المهديين.
زن مؤمن به حق می‌تواند با مرد مؤمن به ائمه و مهدیین از اهل حق، یا با مسلمان مخالفی که با ائمه یا مهدیین دشمنی نداشته باشد ازدواج کند.

والزواج بغير المؤمن مكروه بالنسبة للمؤمنة، فخير لها أن تتجنب الاقتران بغير المؤمن.
کراهت دارد که زن مؤمن با مرد غیر مؤمن ازدواج کند و برای او بهتر است که هم‌نشین غیر مؤمن نشود.

أما الرجل المؤمن فيجوز له الزواج من المؤمنة أو المسلمة المخالفة التيلاند صب عداءً للأئمة أو المهديين، وأيضاً يجوز له الزواج من الكتابية مسيحية أو يهودية.

اما مرد مؤمن می‌تواند با زن مؤمن یا زن مسلمان مخالف که با ائمه یا مهدیین دشمنی نداشته باشد ازدواج کند و همچنین او می‌تواند از اهل کتاب چه مسیحی و چه یهودی- همسر اختیار کند.